



این ظرفیت برای تمدن سازی استفاده کنیم؟ خیلی مباحث عمیقی است. شاید ماه ها باید برای بررسی این موضوعات وقت می گذاشتیم. با همه گرفتاری هایی که داشتیم چند ماه هر هفته دو ساعت با شهید فخری زاده برای این موضوع جلسه می گذاشتیم و صحبت می کردیم. نمی خواستیم بحث لوٹ شود. چند ماه بحث را بررسی و ابعاد آن را تبیین کردیم که دفاع تمدنی به چه معناست؟ این بحث ها چیست؟ برای چیست و از آن چه می خواهیم؟ این جلسه با یک جمع ۵-۶ نفره برگزار می شد تا به اصطلاح مطالب را بیزیم و جمع کنیم وقتی این بحث ها پیش کشیده می شود، خیلی هاسمسخره می کنند و ترمز می شوند. این بحث برای شهید فخری زاده خیلی مهم و فراتر از ملیت بود زیرا بحث ملیت را با زبانی از بحث جهانی می دانستند.

### توجه به مسائل ملی

در همه پروژه ها و کارهای پایین دست هم این طور بودند و این را در نظر داشتند کاری که می کنیم نه لزوماً در حوزه دفاعی باید به درد مملکت بخورد اگر به درد مملکت نخوریم فایده ای ندارد. در همه پروژه ها این گونه بودند اگر در مسائل ملی هم مسئله ای بود و می توانستیم کمکی کنیم ورود می کردیم. از شهرداری گرفته تا حل مسائل زیستی. یکسری پروژه برای مقابله با موش و آفت در شهرداری بود. در بهزیستی قوی بودیم و می خواستیم کمک کنیم. خیلی دنبال این بودیم که در بحث زباله سوزی شهرداری را پای کار بیاوریم و مشکلی را در آن قسمت حل کنیم. جاهای مختلف کشور که لازم بود ورود می کردیم. از نظر ملی بحث فراتر از این مباحث بود.

در بحث توجه به معیشت و حل مشکلات کارکنان هم شهید فخری زاده احساس مسئولیت می کردند و ما درباره مشکلات خودمان با ایشان صحبت می کردیم. ابایی نداشتند که شمانزدش بروید و ایراد معاونان و مدیرانش را بیان کنید. دفاع الکی و توجیه بی خود هم نمی کردند. شاید در آن موضوع خاص کاری از دست شهید فخری زاده بر نمی آمد به هر حال هر مدیری یک ابزار و اختیاراتی دارد اما با روی باز گوش می دادند. مثلاً می دانستند فلان مدیر این ایراد را دارد ولی خبرال موجودین بود و بهتر از این فرد در سیستم ندارند و با همه ایرادها خیرالموجودین است. بعد از سردار وحیدی توجه به سپند و مجموعه ما خیلی افول کرد. وزرای بعدی مشکلات زیادی درست کردند، به خصوص در زمان آقای روحانی فشار از همه جهت به سازمان ما وارد شد و رسماً دنبال تعطیل کردن سپند بودند و دستور تعطیلی را داده بودند و به همین دلیل و مسائل فشار زیادی روی ما بود. البته وزیر این کار را نکرد چون به این باور رسیده بود که وجود سپند لازم است ولی چون از بالادست و اطراف حمایت نمی شد خیلی تحت فشار بودیم و پروژه ها را در اوج فشار مالی انجام می دادیم. با همه این احوالات شهید فخری زاده اعتقاد داشتند که باید کار را انجام داد و پروژه ها را تا حدی که می شد ادامه می دادند. اگر کمی پول داشتیم نمی گفتند این بحث را رها کنیم و تا حد امکان با همان بودجه کم کمک می کردند که کارها طبق روال انجام شود. مشکل این بود که دست شان بسته بود اما با این وجود باز هم به صورت شخصی و غیرشخصی به همه کمک می کردند. خیلی از بچه ها مشکلات شخصی شان را بیان می کردند و ایشان تا جایی که می توانستند برای حل آن از سیستم، فرد و ارتباطاتی که داشتند، استفاده می کردند تا مشکل افراد را حل کنند و همه توان خود را برای رفع مشکلات می گذاشتند.

### امنیت خاطر اعضای تیم

بچه ها هم این امنیت خاطر را داشتند و خیلی مواقع مسائل شخصی خود را نیز مطرح می کردند تا از ایشان کمک و مشورت بگیرند. نگه داشتن افراد و ممانعت از مهاجرت نخبگان از اولویت های سپند بود. یکی از چیزهایی که شهید فخری زاده پیگیری می کردند این بود که باید به جایی برسیم که نیروهای ما مثل خیلی از مراکز علمی.

را همیشه به ما می کرد که هر چند کار اهمیت دارد اما اولویت نخست شما باید خانواده باشد با این که مشغله کاری زیادی داشتیم اما کمک می کردند که هم کار کنیم و سالی چند بار با خانواده به سفر برویم. برخی مواقع مکانی رانیه می کردند و می گفتند به این سفر بروید. همه اینها حول محور ارزش به خانواده بود. یک زمانی دست و بال شما باز است و این کار را می کنید و یک زمانی این طور نیست و در اوج نیاز مالی به این مسئله توجه می کنید و به آن اهمیت می دهید و می گوید بودن آدم ها با خانواده اهمیت دارد. شهید فخری زاده در روزهای سخت هم این فکرها را می کردند و این برای ما ارزشمند بود.

### نگاه جهانی

در موضوع کاری نیز نگاه ایشان فراملی بود. سطح ملی برای شهید فخری زاده کوچک بود، غیر از این که بحث ملیت و ایرانی بودن همیشه برای شان اهمیت داشت و از اولویت های شان بود و کارها را بر این اساس تنظیم می کردند اما نگاه ایشان جهانی بود و می گفتند باید به آنجا برسیم که اثرگذاری ما در موضوعات در حوزه جهانی با نگاه تمدنی باشد. حتی در سال های آخر مباحثی را در خصوص تمدنی که حضرت آقا بحث کرده بودند طرح می کردند تا در زمینه چگونگی نقش دفاع در تمدن اسلامی بحث و بررسی کنیم. از منظر دفاع موضوعاتی را مطرح و پروژه هایی را شروع کردند که در یک مقطعی من مسئول پروژه بودم و در آنجا بحث نقش دفاع در تمدن اسلامی و تمدنی که با ظهور امام زمان (عج) اتفاق می افتد و این که نقش ما در ظهور چیست، مورد توجه قرار داشت. دفاع تمدنی عبارتی بود که آن زمان شکل گرفت. منظور از دفاع تمدنی دفاع از تمدن نبود بلکه می خواستیم نقش دفاع در آن تمدن سازی که می خواهیم انجام دهیم را بررسی کنیم و به این برسیم که وزارت دفاع در آن زمان باید چه دفاعی داشته باشد. این پروژه با این دید تعریف شده بود و این کار را انجام می دادیم که آیا همین وزارت دفاع می تواند آن تمدن سازی را انجام دهد؟ این بحثی نبود که فکر کنیم ۶ ماهه تمام می شود، استارت این مباحث باید زده می شد و حالا حالاها باید در خصوص این موضوعات فکر شود و انجام این پروژه کار یک نفر، دو نفر، ۱۰ نفر یا ۲۰ نفر نیست. کلید این موضوعات باید در سپند بخورد و به این مسائل فکر کنیم و آن وقت بگوئیم منتظر ظهور هستیم و گرنه انتظار به تنهایی کافی نیست، این منتظر بودن در دفاع یعنی چه؟ چه نقشی داریم؟ چه فناوری هایی به درد آن زمان می خورد؟ ما باید در چه چیزی قوی شویم که بگوئیم آماده ظهور هستیم؟ حتی به حوزه فناوری با این دید نگاه می کردند اساساً برای رسیدن به آن جایگاه باید به هر حوزه ای ورود کنیم؟ افق دید ما باید در چه سطحی باشد؟ باید به حوزه فناوری نگاه کنیم و ببینیم چطور می توانیم از



### شهید فخری زاده اعتقاد

#### داشتند که باید کار را

#### انجام داد و پروژه ها را تا

#### حدی که می شد ادامه

#### می دادند. اگر کمی پول

#### داشتیم نمی گفتند این

#### بحث را رها کنیم و تا حد

#### امکان با همان بودجه

#### کم کمک می کردند که

#### کارها طبق روال

#### انجام شود